

تصویری از رشته‌های تحصیلی در دوره متوسطه در ایران و تحلیلی بر آن

معرفی مقاله

نویسنده: احمد صافی

بحث درباره «آموزش و پرورش متوسطه در ایران» به طوری که در شماره اول سال ۱۳۶۵ مطرح گردید، در شرایط کنونی با توجه به مسائل و مشکلات این دوره از یک طرف، و ارتباطی که این دوره تحصیلی با تحصیلات دانشگاهی، و نیازهای مشاغل و حرف جامعه دارد، از طرف دیگر، اهمیت فوق‌العاده‌ای کسب نموده است. بدین لحاظ مقاله حاضر در ادامه مقاله شماره مذکور توسط برادر احمد صافی معاون سابق امور آموزشی وزارت آموزش و پرورش و عضو هیئت تحریریه فصلنامه فراهم آمده است.

در این مقاله ابتدا رشته‌های تحصیلی، خصایص، و وجوه تمایز آنها در آموزش متوسطه مورد بحث قرار گرفته، و سپس توزیع دانش‌آموزان در شاخه‌ها و رشته‌های تحصیلی دوره متوسطه عمومی در سال تحصیلی ۶۵-۱۳۶۴ مورد بررسی بوده، و علل عدم گرایش دانش‌آموزان به بعضی از رشته‌ها، و گرایش بیش از حد به رشته علوم تجربی مورد توجه واقع گردیده است.

توزیع دانش‌آموزان در رشته‌های متوسطه فنی و حرفه‌ای در سال ۶۵-۱۳۶۴ نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفته؛ و عللی چند از

عدم گرایش، و استقبال لازم به این شاخهٔ تحصیلی برشمرده شده؛ و در پایان مقاله چند نکته از یک پژوهش که عوامل موثر در انتخاب رشتهٔ تحصیلی را در میان تعدادی از دانش‌آموزان سال اول دبیرستانهای منطقهٔ ۱۲ تهران بررسی نموده، ارائه گردیده است. و ادامهٔ بحث دربارهٔ آموزش و پرورش متوسطه به مقاله‌ای دیگر موکول شده است. با آرزوی توفیق نویسندهٔ محترم مقاله امید است این بحث در شماره‌های آتی فصلنامه دنبال شود.

«فصلنامه»



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در مقاله قبل در فصلنامه شماره یک سال ۱۳۶۵، تصویر نسبتاً مختصری از دوره متوسطه و سیر گذشته آن در ایران از دیدگاه اهداف، ساختار آموزشی، رشته‌های تحصیلی، برنامه‌های درسی، مقررات آموزشی و امتحانی، همراه با روند رشد کمی این دوره ارائه گردید و به پاره‌ای از تنگنای مهم آموزشی اشاره شد، در این مقاله سعی بر آن است تا ابتدا به بررسی و تبیین خصایص نفسانی و ویژگی‌های رشته‌های تحصیلی در تعلیمات متوسطه پرداخته، آنگاه چگونگی توزیع دانش‌آموزان در دوره متوسطه عمومی، فنی و حرفه‌ای را در رشته‌های مختلف تحصیلی و پایه‌های مختلف، همراه با دیدگاهها و پاره‌ای بررسیهای انجام شده به اختصار مورد بحث قرار دهیم.

الف - رشته‌های تحصیلی، خصایص و وجوه تمایز آنها در آموزش متوسطه

۱ - در نظامهای آموزش و پرورش، آموزش متوسطه بخشی از فرصتها و برنامه‌های آموزشی و پرورشی است که از طریق این فرصتها، می‌باید ضمن آشنا ساختن بیشتر نوجوانان با سرمایه‌های فرهنگی و اندوخته‌های بشری و حاصل تجارب گذشتگان، استعداد‌های ذاتی آنان فعلیت یابد و لذا اهداف، ساخت، نوع رشته‌های تحصیلی، مواد درسی و روشهای آموزشی و پرورشی در این دوره، باید با توجه به خصایص نوجوانان و جوانان، ارزشها و نیازهای جامعه، تعیین و طراحی شود.

۲ - استعدادها و امکانات ذاتی آدمی در ارتباط با نیازهای فردی و اجتماعی، متفاوت‌اند. پاره‌ای، کاربرد عمومی و همگانی دارند که آنها را استعداد‌های عمومی گویند و پاره‌ای، کاربرد اختصاصی دارند و بروز و ظهور آنها، در بعضی از افراد جامعه و در جهت رفع نیازهای اجتماعی و بازار کار، کافی بنظر می‌رسد که آنها را به «استعداد‌های خاص» تعبیر می‌نمایند و لذا آموزش همگانی و اجباری را، متوجه بروز و ظهور هر چه بیشتر استعداد‌های عمومی و آموزش متوسطه را بیشتر متوجه پرورش استعداد‌های خاص می‌دانند.

۳ - آموزش متوسطه با عنایت بر استعداد‌های خاص نوجوانان بر تفاوتها تکیه دارد و لذا رشته‌های تحصیلی، برنامه‌ها و فعالیتهای آموزشی و پرورشی باید به گونه‌ای تدوین گردد که زمینه‌های لازم را برای بروز و فعلیت بخشیدن استعداد‌های خاص افراد فراهم نماید.

۴ - آموزش متوسطه به لحاظ ضرورت توجه به تفاوتها در ابعاد مختلف، دوره انتخاب است و نوعی آموزش انتخابی محسوب می‌شود و لذا ارائه معیارهای مناسب و ضوابط موّجه، مترتب بر خصایص دانش‌آموزان و داوطلبان تحصیلی در این دوره آموزشی، ویژگی‌های رشته‌های تحصیلی و نیازهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ضرورت دارد.

۵ - آموزش متوسطه باید از یک سو در ارتباط با علائق و تواناییهای فردی و از سوی

دیگر با نیازهای متنوع کشوری، منطقه‌ای و محلی طراحی شود و لذا باید این دوره آموزشی از انعطاف پذیری لازم برخوردار باشد. ارائه الگوی پیش ساخته آموزشی، در این دوره مهم، نمی‌تواند به آسانی، اهداف این دوره را تحقق بخشد.

۶ - نظر به گستردگی و تراکم برنامه‌های متعدد آموزشی، که خود ناشی از گستردگی مداوم علوم و فنون است انتقال همه جانبه این دانشها و فنون، در دوره متوسطه و در سطحی بالاتر از آموزش همگانی به همه دانش‌آموزان نه ممکن است و نه ضرورت دارد و لذا در دوره متوسطه، باید برنامه‌های درسی متنوع، در شاخه‌ها و رشته‌های تحصیلی تقسیم گردیده، نوعی تقسیم کار صورت گیرد و در نتیجه، فرصتهای مناسب برای انتخاب رشته و درس براساس استعدادها، رغبتها، معلومات پایه و نیازهای آینده بهتر فراهم شود.

۷ - فلسفه ایجاد هر رشته از رشته‌های تحصیلی در دوره متوسطه، باید: اولاً ناشی از ارتباط آن رشته با مشاغل و حرف جامعه و نوعی اشتغال ثمربخش و مؤثر بوده ثانیاً خصایص هر رشته و وجوه تمایز هر رشته با رشته دیگر، به خوبی مشخص گردیده، ثالثاً تحصیل در هر رشته، رشد متعادل و هماهنگی ابعاد عقلانی، عاطفی، اخلاقی و معنوی و اجتماعی نوجوانان را ممکن سازد.

۸ - با توجه به اینکه اصالت هر رشته بر توجه به استعدادها و رغبتهای نوجوانان و نیاز واقعی بازار کار و ارزشهای معقول جامعه مبتنی است لذا در دوره متوسطه، نباید ارزش رشته‌ای از رشته دیگر بیشتر یا کمتر باشد و لازم است هر فرد، رشته انتخابی خود را با ارزش و مفید بیابد. این امر موجب می‌شود که گرایشی به سوی رشته‌های تحصیلی و ایجاد و توسعه رشته‌های تحصیلی و توزیع دانش‌آموزان در شاخه‌ها و رشته‌ها، از مبانی و اصولی برخوردار باشد و تناسب و تعادل لازم در آن صورت گیرد.

۹ - در مورد انتخاب رشته تحصیلی، از آغاز متوسطه یا در سالهای بالاتر متوسطه، دیدگاههای مختلف وجود دارد. ولی عده‌ای از صاحب‌نظران، بر آنند که با توجه به پراکندگی نیازها و ضرورت دارا بودن معلومات مشترک، بهتر است تحصیلات متوسطه از ابتدا به صورت شاخه و سپس جهت‌گیری در زمینه کسب مهارتهای تخصصی یعنی انتخاب رشته، به سنینی یا سالهای بالاتر، موکول گردد.

۱۰ - در شرایطی که توزیع دانش‌آموزان، در رشته‌های مختلف تحصیلی، بر مبنای علائق، استعداد و نیازهای آینده جامعه صورت می‌گیرد ارزش اجتماعی هر رشته به نوع درس

و نوع رشته نباید مربوط باشد بلکه میزان و معیار اساسی را، باید در کیفیت خدمت فارغ التحصیلان در جهت رضای خداوند، و خدمت به مردم دانست.

۱۱ - از روشهای مناسب و مطلوب برنامه‌ریزی آموزشی دوره متوسطه، دادن فرصتهای انتخاب نه تنها در شاخه‌ها و رشته‌های تحصیلی است بلکه وجود تعداد زیاد دروس انتخابی، در این دوره آموزشی است. زیرا وجود دروس انتخابی، توجه به تفاوت‌های فردی و نیازهای اجتماعی را ممکن می‌سازد و رشد شخصیت نوجوانان را میسر می‌نماید.

۱۲ - در یک برنامه‌ریزی مناسب آموزش متوسطه، وجود دروس متعدد نظری و عملی همراه با فرصت انتخاب، ضروری است و کسب دانش لازم، از یکسو و کسب مهارت مورد نیاز از سوی دیگر، از این طریق، میسر و ممکن می‌باشد و لذا ادغام آموزش نظری و فعالیت‌های عملی برای ثمربخشی دوره متوسطه و اهداف متعدد آن، ضرورت می‌یابد.

۱۳ - موفقیت هر دانش‌آموز، در هر تلاش و کوشش تحصیلی در دوره متوسطه، با چگونگی و میزان توافق بین خصایص (بدنی، روانی، اخلاقی، عاطفی) فرد و شرایط و خصایص و موفقیت‌های آموزشی، بستگی دارد و لذا توفیق هر چه بیشتر دانش‌آموزان در دوره متوسطه، مستلزم وجود نظام راهنمایی و مشاوره، بویژه راهنمایی تحصیلی، در درون نظام آموزشی است. با توجه به خصایص و وجوه متمایز رشته‌های تحصیلی در آموزش متوسطه، که به صورت مطلوب آن، مطرح شد تذکر این نکته ضرورت دارد که اولاً معدودی از کشورهای جهان، به نظام انتخاب درسی در نظام آموزش و پرورش خود دسترسی دارند و اکثر کشورها از الگوی پیش ساخته آموزشی در متوسطه، بهره می‌گیرند. ثانیاً حتی در نظام‌های آموزشی کشورهای صنعتی بین نیازهای جامعه و بازار کار و معلومات و تواناییهای مکسبه در دوره‌های آموزشی، نوعی فاصله، مشاهده می‌شود...

ب: توزیع دانش‌آموزان در شاخه‌ها و رشته‌های تحصیلی دوره متوسطه عمومی (ایران) در سال تحصیلی ۶۵ - ۱۳۶۴

هم اکنون در دوره متوسطه عمومی که مدت تحصیل در آن ۴ سال است فارغ التحصیلان دوره راهنمایی تحصیلی طبق ضوابطی در دو شاخه علوم تجربی و علوم انسانی در سال اول متوسطه ادامه تحصیل داده و پس از توفیق در سال اول به ترتیب در یکی از رشته‌های تحصیلی، علوم تجربی، ریاضی، فیزیک، فرهنگ و ادب و اقتصاد اجتماعی به مدت ۳ سال تحصیل خواهند کرد.

در سال تحصیلی ۶۵ - ۱۳۶۴ از ۹۹۴،۲۰۲ دانش‌آموز متوسطه عمومی ۳۵۰،۴۹۳ نفر

در سال اول بوده که ۵۸٪ در شاخه علوم تجربی و ۴۲٪ در شاخه علوم انسانی تحصیل کرده‌اند. در سال دوم متوسطه عمومی از ۲۴۹،۰۶۸ دانش‌آموز ۴۸٪ در علوم تجربی و ۱۱/۷٪ در رشته ریاضی و فیزیک و ۲۵/۳٪ در رشته اقتصاد اجتماعی و ۱۵٪ در رشته فرهنگ و ادب بوده‌اند. در سال سوم این دوره از ۱۹۹۸۹۹۹ دانش‌آموز ۴۵٪ در رشته علوم تجربی و ۹/۵٪ در رشته ریاضی فیزیک و ۳۲٪ در رشته اقتصاد اجتماعی و ۱۳/۵٪ در رشته فرهنگ و ادب تحصیل کرده‌اند.

در سال چهارم: از ۱۹۴،۷۴۳ دانش‌آموز ۴۴٪ در رشته علوم تجربی، ۷٪ در رشته ریاضی فیزیک و ۳۷/۵٪ در رشته اقتصاد، اجتماعی و ۱۱/۵٪ در رشته فرهنگ و ادب بوده‌اند. دقت در آمار فوق و چگونگی توزیع دانش‌آموزان در شاخه‌ها و رشته‌های تحصیلی دوره متوسطه عمومی نشان می‌دهد که:

۱ - گرایش به سوی رشته علوم تجربی رو به افزایش است و روند رشد به گونه‌ای است که بزودی بیش از نصف دانش‌آموزان در پایه‌های دوم و سوم و چهارم متوسطه عمومی در رشته علوم تجربی خواهند بود.

۲ - گرایش دانش‌آموزان به رشته اقتصاد اجتماعی نسبت به سالهای قبل کمتر شده است.

۳ - تعداد دانش‌آموزان در رشته‌های ریاضی و فیزیک، فرهنگ و ادب در پایه‌های دوم و سوم و چهارم متوسطه از دو رشته دیگر کمتر است. البته براساس پاره‌ای سیاستهای متخذه، روند افزایش دانش‌آموزان رشته‌های ریاضی و فیزیک و فرهنگ و ادب در این سال نسبت به سالهای قبل بیشتر شده است.

۴ - توزیع دانش‌آموزان در رشته‌های مختلف تحصیلی با عنایت به تفاوت‌های فردی (هوش، استعداد، انگیزه، معلومات کافی، ارزشها، نیازهای فردی) از یکسو و نیازهای جامعه در ابعاد مختلف از جمله نیاز بازار کار کمتر صورت گرفته و می‌گیرد.

۵ - فلسفه ایجاد رشته‌های مختلف به لحاظ خصایص نفسانی هر رشته روشن به نظر نمی‌رسد.

توزیع دانش‌آموزان دوره متوسطه عمومی از نظر جنس، شهر و روستا

۱ - از ۹۹۴/۲۰۲ دانش‌آموز این دوره در سال ۶۵ - ۱۳۶۴، ۵۵/۵٪ پسر و ۴۴/۵٪ دختر بوده است.

۲ - حدود ۹/۳٪ از کل دانش‌آموزان متوسطه عمومی در دبیرستانهای روستا بوده‌اند.

۳ - گرایش دختران به رشته علوم تجربی از سایر رشته‌ها بیشتر است.

۴ - درصد دختران در رشته‌های ریاضی و فیزیک و فرهنگ و ادب نسبت به کل دانش‌آموزان هر رشته درصد کمی را بیانگر است و این امر نشان می‌دهد که معمولاً دختران در این رشته‌ها بویژه ریاضی و فیزیک کمتر تحصیل می‌کنند.

۵ - در تهران تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین تعداد کل دانش‌آموزان دختر و پسر دیده نمی‌شود ولی در برخی از مراکز استانها تفاوت چشم‌گیر است.

۶ - در استان تهران کمترین درصد دانش‌آموز را در پایه‌های دوم و سوم بویژه چهارم در سال تحصیلی ۶۵ - ۱۳۶۴، دانش‌آموزان رشته فرهنگ و ادب تشکیل می‌دهند به همین دلیل اخیراً در جهت گسترش این رشته در تهران کلاس‌هایی برای داوطلبان مجدداً دایر گردیده است.

علل عدم گرایش دانش‌آموزان در بعضی از رشته‌ها و دیدگاه‌های مختلف درباره رشد دانش‌آموزان رشته علوم تجربی

بررسی علل واقعی گرایش یا عدم گرایش به بعضی از رشته‌های تحصیلی متوسطه مستلزم پژوهشی همه‌جانبه است. در یک بررسی مقدماتی، عوامل متعدد درونی و برونی مؤثر در نظام آموزش و پرورش در این امر دخالت داشته که درصد آنها، طرز تلقی جامعه نسبت به ارزش رشته‌ها، آینده هر رشته از دیدگاه کارایی، موقعیت استخدامی، امکان ورود به دانشگاه‌ها و مدارس عالی، خدمت به مردم و درآمد بیشتر قرار دارد. با توجه به اینکه دلایل گرایش به بعضی از رشته‌ها و عدم استقبال از پاره‌ای رشته‌ها روشن‌تر دیدگاه‌های مختلف است. هر یک از رشته‌های دوره متوسطه عمومی را با توجه به این دیدگاه‌ها مورد بحث قرار دهیم.

رشته ریاضی و فیزیک: اهم علل عدم گرایش را موارد ذیل می‌دانند:

- ۱ - عدم آگاهی لازم دانش‌آموزان به اهمیت ریاضیات در زندگی، ارزش علمی دروس این رشته، عدم آگاهی لازم از نتایج و فواید تحصیل در رشته ریاضی؛
- ۲ - ضعیف بودن پایه درس ریاضی دانش‌آموزان در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی تحصیلی؛

۳ - کمبود معلمان و دبیران متبحر در آموزش ریاضیات؛

۴ - عدم علاقه و استعداد لازم برای تحصیل در رشته ریاضی؛

۵ - ماهیت دروس این رشته از نظر ارتباط و پیوستگی مطالب بویژه با دروس سالهای

قبل؛

۶ - مناسب نبودن روشهای تدریس ریاضی در بعضی از مدارس و در نتیجه عدم فهم

دروس ریاضی؛

- ۷ - مشکل بودن رشته و امکان توفیق کمتر؛
- ۸ - زیادی حجم کتابها (به نظر عده‌ای) و عدم تناسب محتوای بعضی از کتابهای ریاضی با ساعات درسی و در نتیجه عدم امکان یادگیری مطالب؛
- ۹ - نبودن کلاسهای رشته ریاضی و فیزیک به اندازه کافی در برخی از مناطق آموزشی کشور بویژه استانها یا شهرهای محروم؛
- ۱۰ - عدم آگاهی اولیای دانش آموزان از اهمیت و نقش مهم این رشته در توسعه علمی اقتصادی و صنعتی کشور؛
- ۱۱ - عدم آگاهی کامل دانش آموزان به توانمندیهای خود از جمله استعداد ریاضی و پرورش نیافتن این استعداد در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی؛
- ۱۲ - نبودن برنامه راهنمایی تحصیلی و عدم هدایت صحیح دانش آموزان بهنگام انتخاب رشته.
- رشته فرهنگ و ادب: اهم علل عدم استقبال از این رشته را موارد ذیل می‌دانند:
- ۱ - عدم تشویق و ترغیب لازم دانش آموزان به تحصیل در این رشته توسط اولیای مدارس و دانش آموزان؛
- ۲ - عدم تشویق و علاقه و استعداد لازم برای ادامه تحصیل و پیشرفت در این رشته؛
- ۳ - نداشتن اطلاعات کافی و جامع درباره اثرات این رشته و ارتباط آن با تحصیلات دانشگاهی و مشاغل مختلف جامعه و ارزشهای معنوی آن؛
- ۴ - مشکل بودن دروس این رشته از دیدگاه بعضی از دانش آموزان؛
- ۵ - ضعیف بودن پایه درسی در دروس زبان و ادبیات فارسی و عربی در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی تحصیلی؛
- ۶ - کمبود دبیران متخصص و ماهر در تدریس زبان و ادبیات فارسی و عربی در بعضی از مدارس؛
- ۷ - تصورات غلط ناشی از سوابق رشته، تیپ دانش آموزان، فضای کلاسهای فرهنگ و ادب؛
- ۸ - نبودن یا کمبود این رشته در بسیاری از مناطق آموزشی کشور؛
- ۹ - عدم آگاهی کامل دانش آموزان به خصایص رشته و آینده نگری تحصیلی و شغلی
- ۱۰ - عدم هدایت صحیح تحصیلی به هنگام انتخاب رشته.
- رشته علوم تجربی: اهم علل گرایش بیشتر را موارد ذیل می‌دانند:
- ۱ - امکان ورود به رشته‌های مختلف دانشگاهی بویژه رشته‌های گروه پزشکی و تصور آینده روشن‌تر و بهتر از دیدگاه ارزش اجتماعی، خدمتی انسانی، امکانات استخدامی و رفاهی،

- ۲ - تشویق پدران و مادران، معلمان و مسئولان مدارس به تحصیل در این رشته،
 ۳ - رغبت و علاقه دانش‌آموزان به تحصیل در این رشته و امکان توفیق در آن بویژه برای دختران،
 ۴ - مشکل نبودن دروس این رشته و وجود دبیران بیشتر و امکانات آموزشی مناسبتر با توجه بسوابق این رشته،

۵ - وجود پاره‌ای رشته‌های تحصیلی دانشگاهی و یا مشاغل مناسب برای فارغ‌التحصیلان دختر رشته علوم تجربی،

- ۶ - ایجاد و گسترش این رشته در همه یا اکثر مناطق آموزشی کشور،
 ۷ - آرمان‌گرایی و سرابهای مطرح شده درباره آینده این رشته و عدم آگاهی همه جانبه هر فرد به استعدادهای خویش بهنگام انتخاب رشته،
 ۸ - امکان ادامه تحصیل در این رشته با توجه به ضوابط ورود به رشته پس از دوره راهنمایی تحصیلی،

۹ - عدم آگاهی همه جانبه دانش‌آموزان به خصایص رشته و آینده‌نگری تحصیلی و شغلی و عدم هدایت صحیح تحصیلی و مراجع هدایت‌کننده، در پایان دوره راهنمایی تحصیلی بویژه در پایان سال اول متوسطه:

گرایش به رشته علوم تجربی به گونه‌ای است که بعضی از دانش‌آموزان رشته فیزیک، ریاضی نیز در سال سوم تغییر رشته داده و سال چهارم را در این رشته ادامه تحصیل می‌دهند. رشته اقتصاد اجتماعی: اهم علل استقبال کمتر از رشته اقتصاد اجتماعی عبارت است از:

- ۱ - عدم امکان ورود به بسیاری از رشته‌های تحصیلی دانشگاهی،
 ۲ - نداشتن آینده‌ای روشن از نظر استخدام و اشتغال،
 ۳ - کم شدن ارزش اجتماعی رشته،
 ۴ - عدم تأکید پدران و مادران بویژه مسئولان و دبیران مدارس،
 ۵ - احتمالاً سیاست جدید محدود کردن رشته توسط مسئولان آموزش و پرورش کشور؛
 ۶ - مشکل بودن بعضی از دروس این رشته و عدم فهم مطالب و توفیق لازم؛
 ۷ - عدم هدایت صحیح دانش‌آموزان بهنگام انتخاب رشته پس از دوره راهنمایی تحصیلی و پس از سال اول متوسطه:

۸ - کم شدن رغبت دانش‌آموزان به علت مشاهده کم ثمری فارغ‌التحصیلان این رشته.

ج: توزیع دانش‌آموزان در شاخه‌ها و رشته‌های متوسطه فنی و حرفه‌ای در سال

هم اکنون فارغ التحصیلان دوره راهنمایی تحصیلی طبق ضوابطی که در مقایسه قبل بدان اشاره شد در شاخه‌ها و رشته‌های تحصیلی مدارس متوسطه فنی و حرفه‌ای (هنرستانهای صنعتی، کشاورزی، دبیرستانهای بازرگانی و حرفه‌ای) پذیرفته می‌شوند. مدت تحصیل در هر کدام ۴ سال است که گاه از اوّل متوسطه دانش‌آموزان رشته خود را انتخاب می‌کنند و گاه این انتخاب پس از دو سال اوّل متوسطه صورت می‌گیرد.

در سال تحصیلی ۶۵-۱۳۶۴ از حدود ۱۹۰۰۰۰ دانش‌آموز دوره متوسطه عمومی و فنی و حرفه‌ای ۱۹۵/۳۵۲ (۱۶/۴۲٪) نفر در مدارس متوسطه فنی و حرفه‌ای تحصیل می‌کردند که از این تعداد ۵۳/۴۴٪ در هنرستانهای صنعتی و ۴/۷۶٪ در دبیرستانهای کشاورزی و ۴۲/۸٪ در دبیرستانهای بازرگانی و حرفه‌ای بوده‌اند. توزیع هنرجویان به شرح زیر بوده است.

۱- دبیرستانهای کشاورزی:

در سال تحصیلی ۶۵-۱۳۶۴ تعداد ۷۳۶۱ دانش‌آموز در ۲۱۸ کلاس بوده‌اند که ۳۰/۱٪ در سال اوّل و ۲۹/۲٪ در سال دوّم و ۲۵/۵٪ در سال سوم و ۱۵/۲٪ در سال چهارم به تحصیل اشتغال داشته‌اند.

در این دبیرستانها فقط پسران تحصیل می‌کنند. طبق برنامه جدید آموزش کشاورزی دانش‌آموزان این دبیرستانها در یک رشته تحت عنوان «کشاورزی عمومی»: دیپلم خواهند گرفت.

این مدارس در مناطق شهری و روستایی دایر گردیده و طبق ضوابطی فارغ التحصیلان دوره راهنمایی در آنها پذیرفته می‌شوند.

۲- دبیرستانهای بازرگانی و حرفه‌ای

دانش‌آموزان دوره راهنمایی معمولاً طبق ضوابطی در یکی از ۴ گروه خدمات فنی، خدمات بهداشتی، خدمات هنری، خدمات اداری و بازرگانی تحصیل می‌کنند که هر گروه خود دارای رشته‌های مختلف است.

در سال تحصیلی ۶۵-۱۳۶۴ از ۸۳/۵۷۸ دانش‌آموز دبیرستانهای بازرگانی و حرفه‌ای ۹/۳۶٪ در گروه خدمات فنی، ۶۴٪ در گروه خدمات بهداشتی و ۲/۹٪ در گروه خدمات هنری و ۲۳/۷۴٪ در گروه خدمات اداری و بازرگانی بوده‌اند.

۳- هنرستانهای صنعتی

این هنرستانها که دوره آنها ۴ سال است شامل شاخه‌ها و رشته‌های تحصیلی متفاوتی است که دانش‌آموزان فارغ التحصیل دوره راهنمایی تحصیلی طبق ضوابطی در آنها پذیرفته

می‌شوند.

در سالهای اول و دوم متوسطه پاره‌ای از رشته‌ها مشترک بوده و در سالهای سوم و چهارم بصورت رشته‌ای مستقل مطرح می‌شود.

در سال تحصیلی ۶۵ - ۱۳۶۴ تعداد ۴۱۳، ۱۰۴ هنرجو در هنرستانهای صنعتی تحصیل کرده‌اند که ۳۱/۹٪ در سال اول و ۲۶/۹۲٪ در سال دوم و ۲۳/۰۱٪ در سال سوم و ۱۸/۱۷٪ در سال چهارم بوده‌اند از ۴۱۳، ۱۰۴ هنرجو، ۱۸/۲۶٪ در رشته ساختمان و ۱۹/۱۲٪ در رشته اتومکانیک و ۳۷٪ در رشته برق (الکترونیک و الکتروتکنیک) و ۲۰/۶۲٪ در رشته مکانیک عمومی، (ماشین افزار، صنایع فلزی، قالب‌سازی، ذوب فلزات و ریخته‌گری، تهیه، تبرید و تراشکاری) و ۱/۸۵٪ در صنایع چوب (مدل‌سازی و درودگری) و ۰/۴۵٪ در صنایع دریایی (الکترونیک و مخابرات دریایی و مکانیک موتورهای دریایی) و ۰/۵۱٪ در صنایع در رشته نساجی و ۱۲/۰٪ در رشته سرامیک و ۰/۹۷٪ در شیمی صنعتی و بقیه در سایر رشته‌ها تحصیل کرده‌اند. از کل هنرجویان تنها ۳۷ نفر در رشته‌های الکترونیک و سرامیک، دختر بوده‌اند. معمولاً هنرستانها در مناطق شهری و در نقاط مختلف کشور به تناسب امکانات دایر گردیده و توسعه می‌یابد.

علل عدم گرایش و استقبال لازم در رشته‌های متوسطه فنی و حرفه‌ای

در مورد چگونگی گرایش دانش‌آموزان به رشته‌های فنی و حرفه‌ای و توجیه و تبیین عوامل مؤثر در انتخاب رشته یا عدم انتخاب آن مستلزم انجام پژوهشی همه‌جانبه است. در یک بررسی اجمالی به ذکر اهم دیدگاههای مطرح شده در این زمینه اشاره می‌شود.

- ۱ - محدود بودن فرصتهای تحصیلی در سطح آموزش عالی برای فارغ‌التحصیلان مدارس متوسطه فنی و حرفه‌ای؛

- ۲ - مقررات کنکور سراسری و شرکت رشته‌های ریاضی و فنی و حرفه‌ای در یک گروه آزمایشی و در نتیجه عدم امکان توفیق لازم دیپلمه‌های فنی و حرفه‌ای در ورود به دانشگاهها و مدارس عالی؛

- ۳ - عدم آگاهی لازم دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی به خصایص درس و رشته‌های تحصیلی فنی و حرفه‌ای و اثرات و نتایج تحصیل در این رشته‌ها در آینده؛

- ۴ - عدم پرورش لازم فوق و استعدادها دانش‌آموزان در زمینه‌های فنی و حرفه‌ای و فعالیتهای یدی در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی تحصیلی و در نتیجه عدم آگاهی دانش‌آموزان به توانمندیهای خویش در این زمینه؛

- ۵ - توأم نبودن درس هنری و حرفه و فن دوره‌های ابتدایی و راهنمایی تحصیلی با عمل

و عدم تحریک لازم ذوق و شوق به کارهای هنری و فعالیتهای حرفه‌ای؛
۶ - ابهام از آینده رشته‌های فنی و حرفه‌ای از دیدگاه ارزشهای اجتماعی و مورد پسند جامعه، امکانات استخدامی، مالی و رفاهی؛

۷ - عدم جذب همه جانبه فارغ‌التحصیلان مدارس متوسطه فنی و حرفه‌ای در سازمانهای صنعتی، خدماتی و کشاورزی از جمله در کارخانجات و واحدهای تولیدی پس از تحصیلات بالنسبه گران؛

۸ - عدم تمایل لازم خانواده‌ها به ادامه تحصیل فرزندانشان، در این رشته‌ها؛

۹ - کمبود انگیزه‌های مختلف از جمله انگیزه‌های معنوی و خدمتی؛

۱۰ - عدم تشویق مدارس در سطحی گسترده به ادامه تحصیل در این رشته‌ها؛

۱۱ - کمبود مدارس متوسطه فنی و حرفه‌ای در بسیاری از مناطق آموزشی کشور در شهر و روستا؛

۱۲ - مشکل بودن بعضی از رشته‌های فنی و حرفه‌ای و حجم زیاد برنامه‌ها و کتابهای درسی و در نتیجه عدم توفیق لازم در این رشته‌ها؛

۱۳ - کم‌توانی فارغ‌التحصیلان: پاره‌ای از رشته‌های فنی و حرفه‌ای از نظر مفید و مؤثر بودن در بخشهای صنعتی، خدماتی و کشاورزی به دلیل عدم پیوستگی لازم بین دروس رشته‌های مختلف و نیازهای واقعی؛

۱۴ - بینش و نگرش و پیشداوریهای ارزشی مردم نسبت به ارزش رشته‌های فنی و حرفه‌ای و پیشینه این نوع از آموزش؛

۱۵ - نبودن نظام راهنمایی تحصیلی در پایان دوره راهنمایی تحصیلی و در نتیجه عدم هدایت صحیح تحصیلی دانش‌آموزان در پایان این دوره و در خلال سالهای مختلف تحصیلی در دوره متوسطه فنی و حرفه‌ای.

البته بعضی از دیدگاهها این است که استقبال از تحصیل در مدارس متوسطه فنی و حرفه‌ای زیاد است ولی مستعدترین افراد از یکسو و علاقه‌مندترین افراد به تحصیل از سوی دیگر انتخاب این رشته‌ها را در اولویت قرار نمی‌دهند.

دقت در آمار فوق و چگونگی توزیع هنرجویان در مدارس متوسطه فنی و حرفه‌ای میبایست آن است که:

۱ - نسبت دانش‌آموزان فنی و حرفه‌ای به دانش‌آموزان متوسطه عمومی در سال ۶۵-۱۳۶۴، ۱۹/۶۵٪ است؛

۲ - درصد بیشتر هنرجویان این دوره را هنرجویان هنرستانهای صنعتی تشکیل می‌دهند؛

۳ - درصد دانش‌آموزان در رشته کشاورزی درصد کمتری را بیانگر است و با توجه به

برنامه جدید آموزش کشاورزی و نیاز جامعه در حال گسترش است:

۴ - در مدارس متوسطه فنی و حرفه‌ای هنرستانها و دبیرستانهای کشاورزی و دبیرستانهای بازرگانی و حرفه‌ای فقط در دبیرستانهای بازرگانی و حرفه‌ای دختران درصد قابل ملاحظه‌ای را دارا هستند و جز تعدادی محدود از دختران در هنرستانها همه فرصتهای تحصیلی برای دختران در دبیرستانهای بازرگانی و حرفه‌ای وجود دارد؛

۵ - در توزیع هنرجویان در رشته‌های مختلف در هر یک از بخشهای فنی و حرفه‌ای تفاوت قابل ملاحظه‌ای دیده می‌شود؛

۶ - بین تعداد دانش‌آموزان در پایه‌های مختلف در هر رشته و گذر از هر پایه به پایه دیگر تفاوت قابل ملاحظه‌ای دیده می‌شود که از دیدگاه سرمایه‌گذاری آموزشی بازدهی قابل بررسی بیشتر است؛

۷ - با توجه به آموزش بالنسبه گران (گفته شده است که هزینه تحصیلی هنرجو ۸ برابر هزینه تحصیلی یک دانش‌آموز دبیرستانی است) ایجاد هر شاخه یا رشته تحصیلی و توسعه کمی آن باید از دیدگاه فلسفه و خصایص نفسانی رشته، وجوه تمایز رشته‌ها با هم نیازهای آینده بازار کار به دقت مورد بررسی قرار گیرد و رشته‌های فعلی از این دیدگاه مورد بازنگری قرار گیرد؛

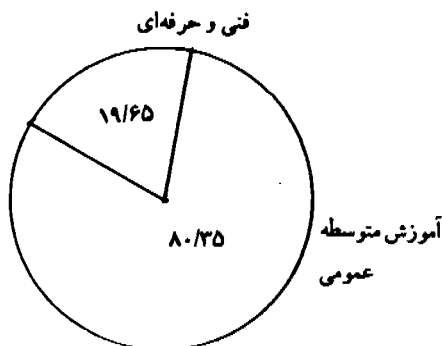
۸ - همسان بودن همه رشته‌های تحصیلی از نظر مسدودت تحصیل و در ارتباط با استعدادهای افراد و نیازهای بازار کار مورد بررسی دقیق قرار گیرد؛

۹ - با توجه به استقبال دختران از تحصیلات دبیرستانی، طراحی رشته‌های مناسب در ارتباط به نیازهای آینده آنان بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

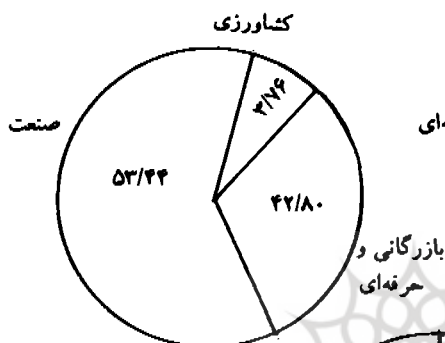
شعبه‌شناسی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

نمودار درصد توزیع دانش‌آموزان دوره متوسطه عمومی و فنی و حرفه‌ای در سال تحصیلی ۱۳۶۴-۶۵



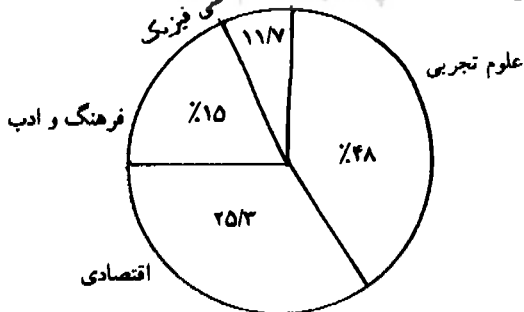
نمودار نسبت آموزش متوسطه نظری به فنی و حرفه‌ای



نمودار درصد توزیع دانش‌آموزان فنی و حرفه‌ای متوسطه در شاخه‌های مربوط



نمودار درصد توزیع دانش‌آموزان در سال اول متوسطه عمومی



نمودار درصد توزیع دانش‌آموزان در سال دوم متوسطه عمومی برحسب رشته‌های تحصیلی

چند نکته از یک پژوهش (۱)

الف: موضوع پژوهش: بررسی عوامل مؤثر در انتخاب رشته تحصیلی (علوم تجربی، علوم انسانی) در بین دانش‌آموزان سال اول دبیرستانهای منطقه ۱۲ تهران، این بررسی که از طریق پرسشنامه و از بین همه دانش‌آموزان دختر و پسر سال اول دبیرستانهای این منطقه انجام گرفته است با توجه به فرضیه‌های پژوهش مبین نتایج زیر است.

۱- بین انتخاب رشته تحصیلی از جانب دانش‌آموزان و سوابق و نمرات درسی آنان رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. بدین معنی که دانش‌آموزانی که در دوره راهنمایی نمراتی کمتر داشته‌اند جذب رشته‌های علوم انسانی شده و دانش‌آموزانی که نمرات آنها نسبتاً بهتر بوده است جذب رشته علوم تجربی گردیده‌اند.

۲- بین انتخاب رشته تحصیلی و میزان درک دانش‌آموزان از دروس راهنمایی تحصیلی رابطه معنی‌داری دیده می‌شود و هرچه میزان درک دانش‌آموزان نسبت به دروس ریاضی، علوم تجربی و حتی ادبیات فارسی و عربی کمتر بوده است این دانش‌آموزان جذب شاخه علوم انسانی شده‌اند.

۳- بین انتخاب رشته تحصیلی و علاقه دانش‌آموزان به دروس مربوط آن رشته نیز رابطه مستقیمی وجود دارد.

۴- سواد و اطلاعات والدین نیز تأثیر مستقیمی در انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان داشته است بدین معنی که والدین دانش‌آموزان رشته علوم تجربی با سوادتر از والدین دانش‌آموزان علوم انسانی بوده‌اند.

۵- دانش‌آموزان رشته علوم تجربی معمولاً از رفتار و طرز برخورد معلمان خود راضی‌تر بوده‌اند تا دانش‌آموزان رشته علوم انسانی.

ب- در مورد علل تورّم دانش‌آموزان در رشته اقتصاد اجتماعی نیز پژوهشی در استان اصفهان انجام گرفته است که توجه خوانندگان محترم را به نتایج این پژوهش که در فصلنامه تعلیم و تربیت، سال اول شماره ۱ بهار ۱۳۶۴ آمده است جلب می‌نماید.^۲

نکته آخر:

تحقق اهداف آموزش و پرورش متوسطه و عنایت لازم به هوش و استعدادها، انگیزه‌ها و معلومات دانش‌آموزان از یکسو و ارزشهای معقول و نیازهای متنوع جامعه از سوی دیگر مستلزم توجه به برنامه راهنمایی تحصیلی و شغلی در درون نظام آموزش و پرورش پیش‌دانشگاهی و دانشگاهی ایران است و لذا ایجاب می‌کند که زمینه‌های مساعد از درون و بویژه از برون دستگاه آموزش و پرورش برای تحقق این مهم بتدریج فراهم آید. زیرا حرکت از نظام موجود به نظام مطلوب مستلزم فراهم کردن جدی زمینه‌ها و تشریک مساعی همه جانبه سازمانهای ذیربط و

استمرار مطالعات و توجه به ظرافت و گستردگی موضوع و اثرات فراگیر آن است به قول سنائی غزنوی:

سالها باید که تا یک سنگ اصلی ز آفتاب
ماهها باید که تا یک پنبه دانه ز آب و خاک
عمرها باید که تا یک کودکی از روی طبع
لعل گردد در بدخشان یا عقیق اندر یمن
شاهدی را حله گردد یا شهیدی را کفن
عالمی گردد نکو یا شاعری شیرین سخن
بحث درباره دلایل ضرورت توجه به راهنمایی تحصیلی و حرفه‌ای و شغلی دانش‌آموزان و هنرجویان و نوع مطالعات و تشریح عوامل مؤثر در انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان در رشته‌های پژوهش‌های انجام شده در مورد عوامل مؤثر در انتخاب رشته تحصیلی دانش‌آموزان در رشته‌های مختلف دبیرستانی و هنرستانی و دانشجویان دانشگاهها در رشته‌های تحصیلی پزشکی، علوم تجربی، آموزش و پرورش استثنایی، اقتصاد، مهندسی، دبیری موکول می‌کنیم.

انشاء الله



پانویسها:

- ۱ - چایچی، پریچهر و دیگران، فروردین ۱۳۶۲.
- ۲ - این پژوهش توسط آقایان محمد شعبانی و احمد عاملیان انجام گرفته است.

فهرست منابع

- ۱ - بررسی رشته‌های مورد علاقه دانش‌آموزان سال سوم راهنمایی جهت ادامه تحصیل در دوره متوسطه، دفتر آموزش بازرگانی و حرفه‌ای، اردیبهشت ۱۳۶۱.
- ۲ - خلاصه آمارهای وزارت آموزش و پرورش، دفتر هماهنگی طرحها و برنامه‌ریزی ۱۳۶۵.
- ۳ - چایچی، پریچهر، با همکاری چند تن، پژوهشی در زمینه بررسی عوامل مؤثر در انتخاب رشته تحصیلی (علوم تجربی و علوم انسانی) در منطقه ۱۲ آموزش و پرورش فروردین ۱۳۶۲.
- ۴ - حداد عادل، دکتر غلامعلی، ملاحظات کلی در باب تغییر نظام آموزشی کشور فصلنامه تعلیم و تربیت بهار ۱۳۶۴
- ۵ - شکوهی، دکتر غلامحسین، مبانی راهنمایی تحصیلی در آموزش و پرورش ۱۳۵۹.
- ۶ - صافی، احمد، آموزش و پرورش متوسطه در ایران فصلنامه تعلیم و تربیت، بهار ۱۳۶۵.
- ۷ - صافی، احمد «مسائل آموزش و پرورش ایران» ۱۳۶۵.
- ۸ - کاردان، علی محمد «اصول راهنمایی در آموزش و پرورش» انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۳۵.
- ۹ - معیری، محمدطاهر، مسائل آموزش و پرورش.
- ۱۰ - وزارت آموزش و پرورش، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال اول شماره ۱، ۱۳۶۴ و شماره‌های ۲، ۳، ۴ سالهای ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵.

پرتال جامع علوم انسانی